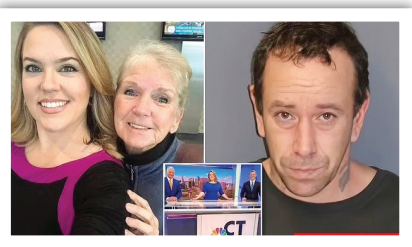


قتل دردناک مادر مجری معروف



مرد بیگناکار به اتهام قتل مادر روزنامه‌نگار و مجری معروف شبکه‌ان‌بی‌سی آمریکا دستگیر شد.

به گزارش همشهری به نقل از ان‌بی‌سی، ۲۰ فوریه امسال، هایدی وویت، روزنامه‌نگار و گوینده خبری ان‌بی‌سی خبر مرگ مادرش را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشت. او نوشت که مادرش به مرگ طبیعی از دنیا رفته است، اما مدتی بعد وقتی متخصصان پزشکی قانونی علت مرگ زن ۷۳ساله را اعلام کردند، ماجرا رنگ و بویی جنایی گرفت.

پزشکی قانونی اعلام کرد که کلودی وویت ۷۳ساله به‌دلیل جراحت وارده به بدن و خفه شدن جان باخته‌است. با این گزارش، پلیس وارد ماجرا شد و تحقیقات را آغاز کرد. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که مقتول مستأجری ۴۴ساله به نام شاون کلونن داشته که پس از حادثه به طرز عجیبی ناپدید شده‌است. براساس شواهد و مدارک پلیسی کسی جز شاون نمی‌توانست بدون اینکه اثری از خود بر جای بگذارد به راحتی وارد خانه مقتول شود. بنابراین تحقیقات پلیس برای پیدا کردن این مرد آغاز شد. این تحقیقات ماه‌ها به طول انجامید تا اینکه مشخص شد متهم فراری در هنتلی در گروتن اقامت دارد. بدین ترتیب چهارشنبه گذشته پلیس راهی آنجا شد و او را بازداشت کرد.

شاون در بازجویی‌های پلیسی ابتدا خود را بی‌گناه نشان داد اما بعد به قتل اعتراف کرد و گفت: من چند سالی اتاقی را در خانه مقتول اجاره کرده بودم، اما از اواخر سال ۲۰۲۲ اجاره‌ام را پرداخت نکرده بودم. این موضوعی بود که بارها بر سر آن با صاحبخانه‌ام دعوایم شده بود. در آخرین باری که در مورد این موضوع بحث کردم مقتول گفت اگر از این خانه نروم پلیس را در جریان خواهد گذاشت و آنجا که پولی برای اجاره خانه دیگری نداشتم، تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم. یک روز به او گفتم که می‌خواهم گرایه را پرداخت کنم و وارد آپارتمانش شدم و در موقعیت مناسب به‌سومش حمله کردم، گردنش را آنقدر فشار دادم تا مطمئن شدم دیگر نفس نمی‌کشد. می‌خواستم همانجا بیامم به اتاقم بروم و حتی پلیس را فریب دهم اما ترسیدم و فرار کردم.

با اعترافات این مرد و کشف حقایق، هایدی وویت، مجری معروف این بار در فضای مجازی نوشت: می‌دانم که مردم سؤالاتی در مورد مرگ مادرم داشتند، اما تا پیدا شدن قاتل باید سکوت می‌کردم و ماه‌ها این را در درناک رانز خود نگه داشتم. اکنون قاتل مادرم در بازداشت به سر می‌برد و به‌زودی در دادگاه محاکمه خواهد شد.

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

وویت

در جریان ۲حادثه مختلف در شمال و جنوب کشور، ملی‌پوش نوجوان کشتنی ایران و قایقران نوجوان گیلانی جانانش را از دست دادند. به گزارش همشهری، نخستین حادثه در شهر صمصان اندیشک رخ داد. امید پایدار، سن‌گین‌وزن ۱۹ساله تیم ملی کشتی فرنگی نوجوانان ایران به همراه پدرش، پس از یک روز کارگری در حال استراحت در داخل یک چادر مسافرتی بودند که بر اثر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند. امید پایدار در رقابت‌های جهانی ۲۰۲۱ در بوداپست مجارستان به همراه تیم ملی نوجوانان ایران حضور داشت. این حادثه چهارشنبه شب گذشته در منطقه‌ای نزدیک اندیشک رخ‌داد و متأسفانه به مرگ کشتی‌گیر کشورمان و پدرش منجر شد. پایدار از کشتی‌گیران با آتیه و اخلاق مدار خوزستان بود که چندی پیش در مسابقات جوانان خوزستان به‌عنوان نخست رسید اما به‌دلیل شرایط بد اقتصادی به همراه پدر خود کارگری می‌کرد. او به‌علت مصدومیت دور از میدان بود اما به‌گفته نزدیکانش در شرایط بد مالی به‌سسر می‌برد و بسیاری امرار معاش و درمان خود مجبور به کارگری به همراه پدرش بود. ابوالفضل پایدار برادر این کشتی‌گیر نیز از قهرمانان کشتی ایران است.

حادثه در گیلان

دومین حادثه مرگبار اما در استان گیلان رقم خورد. امیرحسین شیرزادی و ساره فکوری از برترین‌های رشته قایقرانی در آب‌های آرام و عضو تیم گیلان بودند. آنها هفته گذشته در جریان مسابقه رانندگی و واژگون شدن خودروی شان در کمربندی شهرستان بندرانزلی جانانشان را از دست دادند. امیرحسین شیرزادی دارنده مدال طلا و نقره المپیاد استعدادهای برتر کشور و ساره فکوری عضو تیم قایقرانی گیلان در رشته آب‌های آرام بود.

خارج‌کردن ۳ کیلو پیچ و مهره از شکم بیمار

پزشکان بیمارستان امام خمینی اهواز در جریان یک جراحی نادر موفق شدند حدود ۳کیلو پیچ، مهره و کلید را از شکم مردی خارج کنند. رئیس این بیمارستان گفت: بیمار مردی ۳۶ساله بود که با مشکل عدم تحمل بلع غذا به بیمارستان مراجعه کرد اما در جراحی ۳کیلو پیچ، مهره، سنگ و چندین شیء فلزی دیگر از شکمش خارج شد.



گزارش محمدجعفری روزنامه‌نگار

در حالی که همه از زباله فراری هستند و از آن دوری می‌کنند، عده‌ای عاشق زباله هستند و به‌خاطر همین عشق کثیف، زباله‌ها را در خانه‌های ششان جمع می‌کنند، درست مثل زنی میانسال که در خانه‌اش در شهرک اکباتان به مرور حدود ۲۰تن زباله جمع کرده و باعث ایجاد بوی تعفن و جمع‌آوری سوسک و موش شده بود. اما چرا برخی دست به چنین کاری می‌زنند و پشت پرده اشغال‌های دوست‌داشتنی چیست؟

به گزارش همشهری، چند روز قبل تصاویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد یکی از ساکنان شهرک اکباتان خانه‌اش را به انباری از زباله و ضایعات تبدیل کرده است. باورش سخت بود، اما این تصاویر واقعیت داشت. زنی میانسال که از سال‌ها قبل در این خانه زندگی می‌کرد به‌تدریج در آنجا زباله و ضایعات جمع‌آوری کرده بود.

چرا بعضی‌ها عاشق زباله هستند؟

بررسی ماجرای زنی که در شهرک اکباتان در خانه‌اش زباله جمع می‌کرد و پرورنده‌های مشابه، این سؤال را ایجاد می‌کند که چرا عده‌ای عاشق جمع‌آوری زباله در خانه‌شان هستند و آیا این کار یک اختلال روانی است؟ ساحل گرامی، روانشناس در این‌باره به همشهری می‌گوید: این موضوع یک اختلال روانی به نام اختلال احتکار و مبنای آن اضطرابی و وسواسی است. در این اختلال شخص چیزهایی را که از دید سایر افراد زباله است و مصرف و کارایی ندارد نگه می‌دارد و استدلالی که دارد این است که این را نگه می‌دارم و یک روزی به درد می‌خورد. این وسایل معمولاً وسایلی مثل روزنامه پاره، ظرف نوشابه، جعبه و… است. این افراد معمولاً زمانی که می‌خواهند زباله‌ای را از خانه بیرون ببرند دچار اضطراب می‌شوند که ننگند این وسیله بعداً به کارم آید. ریشه این موضوع در وسواس است و این افراد میل به جمع‌کردن دارند و از دست دادن هر چیزی برای‌شان سخت است. چنین افرادی معمولاً فقط دچار یک مشکل نیستند و در کنار آن ریشه‌هایی از اضطراب و افسردگی هم دیده می‌شود.

او ادامه می‌دهد: ماجرای جمع‌کردن و احتکار زباله معمولاً تا جایی پیش می‌رود که فضای زیادی از خانه این افراد را اشغال می‌کند و کار به جایی می‌رسد که انباری و حتی فضای داخلی خانه از زباله و وسایل بی‌مصرف پر می‌شود. طوری می‌شود که حرکت در خانه و رفتن از یک نقطه خانه به نقطه دیگر سخت می‌شود؛ چرا که فضای خالی باقی‌مانده و همه جا را زباله پر کرده است. نکته مهم‌تر اینک این ماجرا باعث می‌شود عملکرد اجتماعی این افراد خیلی پایین بیاید و رفت‌وآمدهای خانوادگی‌شان کمتر شود. به این دلیل که هم فضای کمی برای‌شان وجود دارد و هم اینکه از نظر آلودگی و بهداشت دچار مشکل

کشف ۵۰۰کارتن اسباب‌بازی قاچاق

ماموران پلیس در جریان بازرسی یک انبار ۵۰۰کارتن اسباب‌بازی قاچاق کشف کردند. سرهنگ مراد صارمی، فرمانده انتظامی شهرستان پردیس در شرق استان تهران گفت: در بازرسی از این انبار تعداد ۵۰۰کارتن انواع اسباب‌بازی خارجی به ارزش ۲ میلیارد ریال کشف و ضمن پلمب آنجا متهم به مرجع قضایی معرفی شد.



کشف ۲۰تن زباله در خانه‌زنی در اکباتان همسایه‌ها را شوکه کرد

آشغال‌های دوست‌داشتنی



طوری که ساکنان ساختمان از این ماجرا شوکی شدند و بوی تعفنی که از آنجا به مشام می‌رسید زندگی را برای آنها مختل کرد. در این شرایط بود که پای پلیس و شهرداری وسط کشیده شد و آنها چند روز قبل با مجوز قضایی راهی این خانه عجیب و غریب شدند و در آنجا صحنه‌هایی باورنکردنی دیدند.

کوهی از زباله

شهرام اسدی، شهردار ناحیه عمقنطقه ۵تهران کهه رسیدگی به این ماجرا را برعهده داشت درباره این ماجرای عجیب و غریب می‌گوید: ساکنان یکی از بلوک‌های فاز ۲شهرک اکباتان به پلیس شکایت کرده بودند که از خانه یکی از واحدهای طبقه

منشاء اختلال

اما این اختلال از چه سنی شروع می‌شود و منشأ آن چیست؟ گرامی در این‌باره می‌گوید: اختلال احتکار معمولاً از سن کم و اوایل نوجوانی شروع می‌شود و افراد از جمع‌کردن وسایل ساده مثل کاغذ، بطری، جعبه و… شروع می‌کنند و شاید خانواده، افراد را در این سن بتوانند تا حدودی کنترل کنند اما در سنین بالاتر این عادت پررنگ‌تر و درمان آن هم سخت‌تر می‌شود. احتکار ریشه ژنتیکی دارد یعنی پدر، پدر بزرگ یا یکی از اعضای خانواده دچار چنین اختلالی بوده و از لحاظ ژنتیک به فرد منتقل شده است.

راهکار درمان

اما اگر چنین افرادی در نزدیکی‌مان زندگی می‌کنند برای درمان آنها چه راه‌کاروی وجود دارد. گرامی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: برای درمان این اختلال باید بررسی کرد و دید که علت شروع این ماجرا چیست و معمولاً رفع اضطراب با راهکارهای شناختی و رفتاری می‌تواند برای این افراد موثر باشد. اما فرد باید در درجه اول قانع‌شود که با اضطراب از دست دادن وسایل روبه‌رو شود. وقتی بتوانیم اضطراب را حل کنیم احتکار را هم می‌شود کاهش داد.



تکنه با زباله زندگی

قصه جمع‌آوری زباله سسر درازی دارد و پیش از این نیز بارها ابتوهی از زباله در خانه‌های دیگر نیز کشف شده است. یکی از این خانه‌ها، خان زن ۶۰ساله گوانی بود که در مدت ۱۰سال در خانه‌اش حدود ۱۰۰تن زباله جمع‌آوری کرده بود. بعد از آنکه همسایه‌ها از این زن شکایت کردند و پلیس و شهرداری دست به کار شدند از خانه‌او که در خیابان سیسمنه بوکان قرار دارد ۲۴ کامیون انواع زباله به وزن حدود ۱۰تن تخلیه شد.

دفن شدن برپاید در زباله‌ها

افراد زباله‌جمع‌کن معمولاً از اختلالات روانی رنج می‌برند. درست مثل راننده تاکتری که بعد از حدایی از همسرش دچار مشکلات روانی شد. او که به تهنایی زندگی می‌کرد شروع به جمع‌آوری زباله کرد و در مدت کوتاهی خانه‌اش را که در یکی از مناطق بیرجند قرار دارد پر از زباله کرد. با شکایت همسایه‌ها ماموران پلیس و شهرداری راهی آنجا شدند و بیش از ۲۰تن زباله کشف کردند. در زیر زباله‌ها یک دستگاه پراید کشف شد که سال‌ها در آنجا مدفون بود.



دستگیری باند سرقت از مادر بزرگ‌ها



اعضای باندی که در جریان زورگیری‌های سرریالی خود ۲میلیارد تومان پول، طلا و گوشی موبایل از زنان سالخورده در اصفهان سرقت کرده بودند، دستگیر شدند. به گزارش همشهری، تحقیقات پلیس آگاهی استان اصفهان برای دستگیری این باند با شکایات چند زن سالخورده اصفهانی آغاز شد. بررسی اظهارات شاکیان نشان می‌داد که سارقان که ۴مرد و یک زن بودند، سوار بر یک خودروی سوار، زنان سالخورده را که کنار خیابان منتظر تاکسی بودند، سوار ماشین کرده و دست به زورگیری از آنها می‌زدند. یکی از مال‌باختگان به پلیس گفت: کنار خیابان ایستاده بودم که یک خودروی مسافرکش کنارم توقف کرد. یک مرد روی صندلی جلو و یک زن هم روی صندلی عقب نشسته بود. همه چیز طبیعی به نظر می‌رسید و من که تصور کردم آن دو نفر هم مثل من مسافر هستند، سوار شدم. سر چهارراه مورد نظر که رسیدیم گفتم همین جای پداده می‌شوم اما راننده گفت: اینجا نیمشه. بعد با چشم‌اش اشاره‌ای به زنی که عقب نشسته بود کرد و او هم با دستش سرم را پایین کشید و یک چاقو روی گلویم گذاشت و بعد هر چه انگشتر و انگوی طلا داشتم را از من گرفت؛ بعد مرا پیاده و با سرعت فرار کردند.

من از ترس بی‌حال شده و روی زمین افتادم تا اینکه مردم دورم را گرفتند و برایم آب آوردند و گفتند برولا تری و شکایت کن. سرقت‌های این باند باعث ایجاد ترس و وحشت میان زنان مسن در اصفهان شده بود و همین باعث شد تیم ویژه‌ای از کارآگاهان پلیس آگاهی برای دستگیری دزدان وارد عمل شود.

از آنجا که هر کدام از مال‌باختگان مشخصات متفاوتی از متهمان و خودروهایی که سوار شده بودند ارائه می‌کردند، کار شناسایی این باند کمی سخت شده بود و نشان می‌داد که پلیس با یک باند کاملاً حرفه‌ای روبه‌رو است. با این حال جست‌وجو برای یافتن ردی از دزدان ادامه داشت تا اینکه سررنج‌هایی از حضور متهمان در شهر همدان به‌دست آمد. بررسی‌ها نشان می‌داد که سارقان پس از زورگیری از چندین زن سالخورده در اصفهان، راهی همدان شده و سرقت‌هایشان را در آنجا از سر گرفته‌اند.

با بررسی‌های بیشتر، هویت یکی از دزدان شناسایی شد و تیمی از کارآگاهان برای دستگیری این باند راهی همدان شدند. آنها با زیرنظر گرفتن نخستین سارق، موفق شدند ۳همدمست دیگرش را نیز شناسایی و تمامی آنها را دستگیر کنند. سرهنگ حسین ترکیان، رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان با بیان این خبر گفت: متهمان که همگی اهل یکی از استان‌های غربی کشور هستند، به اصفهان منتقل شدند و معلوم شد که سردهسته باند فردی سابقه‌دار است که به همراه همسر و دوست‌واقدام به تشکیل این باند کرده است. وی ادامه داد: متهمان در بازجویی‌ها به زورگیری از ۱۱ زن مسن و همچنین ۱۴قره قاپ‌زنی از شهروندان در شهرهای اصفهان، خمینی شهر و فلاورجان اعتراف کردند که ارزش اموال به سرقت رفته توسط آنها بالغ بر ۲میلیارد تومان است. با تکمیل شدن تحقیقات، پرونده متهمان برای رسیدگی قانونی تحویل مرجع قضایی شد.

پلیس در تعقیب مرد متجاوز

با شکایت دختری که مدعی است مردی او را گروگان گرفته و ۳روز در شرکتی زندانی کرده و مورد آزار و اذیت قرار داده، تحقیقات پلیس برای دستگیری این مرد آغاز شده است.

به گزارش همشهری، اواخر هفته گذشته دختری جوان به اداره پلیس رفت و از کارفرمای سابقش شکایت کرد. وی گفت: من ۳سال قبل از طریق یکی از دوستانم با مردی به نام شهرام که شرکت تبلیغاتی داشت، آشنا شدم. قرار شد به‌عنوان منشی در آنجا کار کنم اما بعد از چندماه شهرام مدعی شد که از همسرش طلاق گرفته و به تنهایی زندگی می‌کند. وی مرا فریب داد و گفت به‌زودی به خواستگاری‌ام می‌آید تا اینکه یک روز به بهانه کار مرا در شرکت نگه داشت. او درها را قفل کرد و با تهدید، مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. شهرام حتی مرا مورد شکنجه قرار داد و فیلم سیاه تهیه کرد. او تهدید کرد که اگر شکایت کنم این فیلم را به این بار می‌آورد. اما این بار تصمیم گرفتم از او شکایت کنم تا به سزای اعمالش برسد.

با این شکایت، دستور بازداشت مرد متجاوز صادر شده است و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.
فقط ترسیده بودم
محسن، زمانی که مرگ یک قتل شد، ۱۶سال بیشتر نداشت، اما با وجود سن کمش یک سارق حرفه‌ای بود که موبایل قاپی می‌کرد و حالا می‌گوید، روز حادثه به خاطر ترس من روکب جنایت‌شده است.
فکر می‌کردی یک روز راز جنایتی که مرتکب شدی فاش شود؟
نه، اصلاً. بعد از آن حادثه خیلی پرس و جو کردم و فهمیدم که پلیس هیچ ردی از من به‌دست نیاورده است. بعد از گذشت ۱۵ماه دیگر تصور می‌کردم آب‌ها از آسیاب افتاده اما وقتی دستگیر شدم، فهمیدم که دوست صمیمی‌ام من را لو داده است. چه شد که رازت را به او گفتمی؟ چون خیلی عذاب وجدان داشتم. درست است که سرقت می‌کنم اما آدمکش نبودم و نیستم. آن روز ترسیده بودم، مقتول مقاومت کرد و مردم هم جمع شده بودند، فقط به‌دنبال راهی بسودم که گوشی‌را از دست قاتل بیرون بکشم و بعد فرار کنم. چاقو را صرفاً برای ترساندنش به‌سوسی او برتاب کردم اما از بخت بد من، چاقو به قفسه سینم‌اش خورد. چند ساعت بعد هم به محل جنایت برگشتم، ماسک زدم و از مردم پرس